

بررسی مهرورزی به عنوان یکی از حقوق زنان از دیدگاه روایات

زهرا مرضیه

سطح دو حوزه علمیه عمومی

چکیده

روایات و قرآن به عنوان کتاب مقدس مسلمانان، در موضوع زنان و احکام آنها، سخنان بسیاری دارد. محبت و مهرورزی به مردم و دلرحم بودن در بین همکیشان، علاوه بر محبوبیت در میان مردم و افزایش رزق و روزی در دنیا، مایه رضایت خدا و نجات در آخرت است. هر جامعه ای که مردم آن با همدیگر مهربان و با محبت و دلرحم باشند، زندگی کردن در آن جامعه زیبا و گوارا بوده و مایه خوشبختی خواهد بود. پژوهش حاضر که از نوع مقالات مروری و کتابخانه ای می باشد که به بررسی تاثیر بررسی مهرورزی به عنوان یکی از حقوق زنان از دیدگاه روایات اشاره دارد. در تاریخ اسلام هرگز هیچ مسلمانی در مورد مقام زن یا دارا بودن روح و یا سایر کیفیت های انسانی او تردید نکرده است. او دارای کیفیت های روحانی نیز شناخته می شود. در نتیجه زن پیام آور مهرورزی، گذشت و صداقت است و از نقش محوری در تامین آرامش خاطر خانواده برخوردارند. زنان می توانند با توانایی و کنترل غلبه بر احساسات، عواطف خود را در خانه کنترل نمایند و همچنین می توانند با مدیریت صحیح و ایجاد آرامش، کانون خانواده را گرم کنند و از اضطراب اعضای خانواده بکاهند و با عواطف مثبت خانه را غرق رحمت و دل شوهر و فرزندان را شاد کند و موجبات بالندگی جامعه را فراهم آورد. در این مقاله شما را با مهرورزی و حقوق زنان از دیدگاه روایات و همچنین قرآن آشنا خواهیم کرد.

کلمات کلیدی: حقوق، روایات، زن، مهرورزی، جایگاه زنان.

مقدمه

حضور زن در اسلام هیچ مشکلی را بوجود نمی‌آورد. او از همان مقامی برخوردار است که توسط دین او یعنی اسلام به او اعطا شده است. موضع قرآن و مسلمانان صدر اسلام گواه این حقیقت است که وجود زن به اندازه مرد در زندگی حیاتی است و او نه در مرتبه‌ای پایین‌تر از مرد قرار دارد و نه آنکه از یک جهت فرودست محسوب می‌شود. اگر اثر فرهنگ‌های خارجی و تأثیرات بیگانه نبود، هرگز چنین سؤالی در میان مسلمانان مطرح نمی‌شد. مساوی بودن مقام زن و مرد برای همه مسلم بود. چنین چیزی کاملاً قابل انتظار و مطابق با واقعیت بود و هیچکس اصلاً آن را به عنوان یک مسئله در نظر نمی‌گرفت.

به منظور درک آنچه که اسلام برای زن در نظر گرفته است نیازی به آن نیست که از بدبختی‌ای که او در دوران پیش از اسلام و امروزه در دنیای متجدد گرفتار آن است، اظهار تأسف کنیم. اسلام به زنان حقوق و امتیازاتی را داده است که او تحت هیچ دین و یا نظام قانونی دیگری از آنها برخوردار نبوده است. این نکته از طریق مطالعه این موضوع به عنوان یک کل و به صورت تطبیقی، به جای بررسی ناقص آن درک می‌شود. حقوق و وظایف یک زن مساوی یک مرد است اما الزاماً مشابه آنها نیست. مساوات و مشابهت دو مفهوم کاملاً متفاوت هستند. این تفاوت قابل درک است چرا که زن و مرد مشابه نیستند ولی مساوی خلق شده‌اند. با در نظر داشتن چنین تمایزی، مشکلی ایجاد نمی‌شود. این غیر ممکن است که بتوان حتی دو مرد یا دو زن همانند یکدیگر یافت.

تمایز میان برابری و همانندی دارای اهمیت فوق‌العاده است. برابری، مطلوب و واقعاً عادلانه است، در حالیکه همانندی چنین نیست. مردم همانند یکدیگر آفریده نشده‌اند ولی برابر خلق شده‌اند. با در نظر داشتن چنین تمایزی، جایی برای تصور این که زن پست‌تر از مرد است باقی نمی‌ماند. هیچ زمینه‌ای برای اینکه تصور کنیم که زن به دلیل آنکه حقوق مشابه مرد ندارد، دارای اهمیتی کمتر از مرد است، وجود ندارد. اگر مقام او درست مشابه مقام مرد بود، آنگاه زن نسخه دیگری از مرد می‌شد، که چنین نیست. این حقیقت که اسلام به زن حقوق مساوی و نه مشابه مرد می‌دهد نشان می‌دهد که اسلام زن را به درستی در نظر گرفته، او را به رسمیت شناخته و برای او شخصیت مستقلی قائل است.

این طنین اسلام نیست که زن را محصول شیطان و بذری می‌پندارد. قرآن نیز مرد را ارباب مسلط زن که در مقام او زن هیچ چاره‌ای ندارد جز آنکه تسلیم سلطه‌اش باشد قرار نداده است. این اسلام نیست که این سؤال را مطرح کرده است که آیا زن اساساً دارای روح است یا خیر؟

قرآن این نکته را کاملاً روشن کرده است که هم آدم و هم حوا وسوسه شدند، هر دو مرتکب گناه شدند، و پس از توبه، بخشش خداوند به هر دوی آنها تعلق گرفت و سپس

خداوند هر دوی آنها را پوشانید. در حقیقت اینطور به نظر می‌رسد که در قرآن آدم بیشتر برای نخستین گناه مورد سرزنش قرار می‌گیرد.

اما اسلام چنین تبعیض یا ظنی را موجه نمی‌داند چرا که آدم و حوا هر دو اشتباه کردند و اگر حوا باید سرزنش شود، آدم هم به همان اندازه و بلکه بیشتر باید مورد سرزنش قرار بگیرد.¹

مقام زن در اسلام، مقامی منحصر به فرد است، مقامی نوین، چیزی که مشابهی برای آن وجود ندارد. به هر نظام دیگری که می‌نگریم، به دنیای شرق کمونیست و یا به ملل دموکراتیک، درمی‌یابیم که زنان در آنجا واقعاً خشنود نیستند. مقام او در آنجا چیزی نیست که مورد غبطه واقع شود. زن مجبور است برای زنده ماندن به سختی کار کند و گاهی حتی کار مشابه مردان را انجام داده اما حقوقی کمتر دریافت می‌کند. او از آزادی‌ای برخوردار است که در برخی موارد مشابه آزادی‌گرایی می‌شود. برای رسیدن به آنچه که امروز از آن برخوردار است، زنان در طول دهه‌ها و قرن‌ها به سختی مبارزه کرده‌اند، برای به دست آوردن حق یادگیری و آزادی کار کردن و کسب درآمد او مجبور بوده است که از خودگذشتگی‌های مشقت‌باری را تحمل کند و از بسیاری از حقوق طبیعی خود چشم‌پوشی کند. برای رسیدن به جایگاه خود به عنوان یک موجود انسانی دارای روح، او بهای سنگینی پرداخته است. اما علیرغم همه این فداکاری‌های سنگین، در نظام‌های اجتماعی غربی او هنوز نتوانسته است جایگاهی مساوی برداشته باشد. او هنوز نتوانسته است آنچه را که اسلام با فرمان الهی برای زن مسلمان در نظر گرفته است بدست آورد.

حقوق زنان در دنیای جدید، داوطلبانه و یا از سر ترحم نسبت به جنس مؤنث، به آنها اعطا نشده است. زن متجدد با زور به موقعیت فعلی خود رسید، نه از طریق فرایندهای طبیعی یا توافق متقابل یا تعلیمات الهی. او مجبور بود که به زور راه خود را بگشاید و شرایط مختلف در این راه به کمک او آمد. کمبود نیروی انسانی در طول جنگ‌ها، فشار نیازهای اقتصادی و ضروریات توسعه صنعتی، زنان را مجبور ساخت که از خانه‌های خود بیرون آمده کارکرده و برای بدست آوردن قوت خود مبارزه کنند تا مساوی مرد بنظر برسد و در مسابقه حیات در کنار مرد بدود. او به دلیل شرایط روز مجبور بود و به جای آن او خود را وادار ساخت و جایگاه جدید خود را به دست آورد.

اینکه ایا تمام زنان از اینکه شرایط به نفع آنان بود خشنود بودند یا نه و اینکه ایا آنان از نتیجه این جریان‌ات راضی و خوشحال هستند یا نه، موضوع دیگری است. اما این

¹ ایمانی، علی؛ احمدوند، ولی‌محمد. «تبیین جایگاه زن در اندیشه جریان‌های سلفی معاصر». ۱۷۱-۱۹.

حقیقت همچنان باقی است که هر حقوقی که زن متجدد از آن برخوردار است کمتر از حقوق زنان مسلمان است.¹

آنچه که اسلام برای زن در نظر گرفته است، چیزی است که با طبیعت او هماهنگی دارد، به او امنیت کامل می‌بخشد و از او در برابر شرایط نامساعد و دشواریهای زندگی محافظت می‌کند. نیازی به آن نیست که جایگاه زن متجدد و خطراتی را که او برای بدست آوردن در آمد و یا استقرار خود با آن مواجه است با جزئیات مورد بررسی قرار دهیم. حتی نیازی به آن نیست که بدبختیها و عقب‌افتادگی‌هایی را که حاصل به اصطلاح حقوق زنان است شرح دهیم. بر سر آن هم نیستیم که موقعیت بسیاری از زندگیهای غمبار را که درست به دلیل همین حقوق و آزادیهای که زن متجدد از آن برخوردار است، به شکست کشیده می‌شوند، مورد بررسی قرار دهیم. بسیاری از زنان امروزه از حق آزادی استفاده می‌کنند تا مستقلاً از خانه بیرون رفته، کار کنند و در آمدی داشته باشند و تظاهر کنند که با مردان برابرند، اما متأسفانه همه اینها به قیمت خانواده‌هایشان تمام می‌شود. این مسئله بسیار واضح و شناخته‌شده است. آنچه که شناخته‌شده نیست، مقام زن در اسلام است. در بخشهای بعدی کوشش شده است که موضع اسلام در مورد زنان را مورد بررسی قرار دهیم:

1. زن در اسلام به عنوان شریک مساوی و کامل مرد در تولید نسل بشر به رسمیت شناخته می‌شود. مرد، پدر و زن، مادر است و هر دو برای زندگی ضروری و لازم هستند. نقش زن کمتر از مرد حیاتی نیست. با این شراکت او در هر جنبه‌ای دارای سهم مساوی است. او دارای حقوق مساوی است، مسئولیتهای برابری را بر عهده می‌گیرد و در درون او همانقدر توانایی و انسانیت است که در شریک او. در رابطه با این اشتراک برابر در تولید نسل انسان خداوند می‌فرماید:

«ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و قبایل مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید...»²

2. زن در انجام مسئولیتهای شخصی و جمعی و همچنین دریافت پاداش برای اعمال نیکش با مرد برابر است. او به عنوان یک شخصیت مستقل، دارای کیفیتهای انسانی و قابل تمایلات معنوی شناخته شده است. طبیعت انسانی او نه پست‌تر و نه منحرف‌تر از مرد است. هر دو اعضای یکدیگرند. خداوند می‌فرماید:

«پس خدای آنها دعایشان را مستجاب کرد (و فرمود: عمل هیچکس را، از مرد و زن بی‌مزد نگذارم. شما از یکدیگر بگردید...»³

¹ دهقانپور، علیرضا، «مدل مهرورزی متمایز زن و مرد در کلام پیشوایان»، 1402.

² حجرات، ۱۳.

³ آل عمران، ۱۹۵.

3. زن در دنبال کردن آموزش و یافتن دانش با مرد برابر است. هنگامی که اسلام طلب علم را بر مسلمانان واجب نمود، هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نشد. در حدود چهارده قرن پیش، محمد(ص) اعلام کرد که طلب علم بر هر مسلمانی از زن و مرد واجب است. چنین اعلامی بسیار آشکار و روشن است و در طول تاریخ توسط مسلمانان به اجرا گذاشته شده است.

4. زن دارای حق آزادی بیان درست به اندازه مرد است. آرای درست او مورد توجه قرار می‌گیرد و نمی‌تواند تنها به خاطر اینکه به جنس مؤنث تعلق دارد کنار گذاشته شود. از قرآن و تاریخ گزارش شده است که زنان نه تنها عقاید خود را آزادانه بیان می‌کردند بلکه با پیامبر و یا سایر رهبران مسلمان بحث کرده و یا در مباحثات جدی شرکت می‌نمودند. بعلاوه گاه اتفاق می‌افتاد که زنان مسلمان نظر خود را در مورد موضوعات قانونی مربوط به عموم مطرح می‌کردند و با خلیفه مخالفت می‌نمودند و سپس خلیفه استدلال درست این زنان را می‌پذیرفت. یک مورد خاص از چنین مواردی در زمان خلافت عمر بن خطاب اتفاق افتاد.

5. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که زنان در زندگی جمعی مسلمانان صدر اسلام، بخصوص در مواقع اضطراری شرکت داشتند. زنان، ارتش اسلام را در جنگها همراهی می‌کردند تا از زخمیها پرستاری کرده، مایحتاج را تأمین کنند، به مجاهدان خدمت کنند و غیره. آنها را در پشت میله‌های آهنی حبس نبودند و یا موجوداتی بی‌ارزش و فاقد روح در نظر گرفته نمی‌شدند.

6. اسلام به زن حقوق مساوی در عقد قرارداد، معاملات، کسب درآمد و مالکیت مستقل اعطا می‌کند. زندگی او، مایملکش و آبرویش به همان اندازه مرد مورد احترام است. اگر زن مرتکب خلافی شود، در یک مورد یکسان مجازات او بیشتر یا کمتر از یک مرد نیست. اگر فریب داده شود یا مجروح شود،

خسارات لازم را درست به اندازه مردی در همان موقعیت دریافت می‌کند.

7. در اسلام تنها به بیان آماری حقوق زن بسنده نشده است بلکه تمام تلاش در جهت حفظ حقوق زنان است. اسلام هرگز افرادی که متمایل به تعصب بر علیه زنان و یا تبعیض میان زن و مرد هستند را نمی‌پذیرد. قرآن بارها و بارها کسانی را که معتقد بودند زنان پست‌تر از مردان هستند مورد سرزنش قرار می‌دهد.¹

8. جدای از به رسمیت شناختن زن به عنوان موجود انسانی مستقلی که وجودش بطور مساوی برای بقای بشریت ضروری است، اسلام به او سهمی از ارث داده است. پیش از اسلام، نه تنها به زن سهمی از ارث تعلق نمی‌گرفت بلکه خود زن به عنوان مایملکی

¹ فقیه، صدیقه؛ خادم چهارمی، حامده. «حقوق ممتازة جامعه زنان نسبت به مردان، در فقه اسلام و حقوق ایران»، ۷۳-۹۶.

چه کسی بود؟ گفت: فاطمه (سلام الله علیهم) سپس پرسیدند: محبوبترین مردان چه کسانی بودند؟ گفت: شوهرش علی (علیه السلام).¹

پیغمبر اکرم وقتی میخواست به سفر برود، آخرین وداعش با فاطمه (سلام الله علیهم) بود، وقتی هم از سفر برمیگشت اول به ملاقات فاطمه (سلام الله علیهم) میرفت.

پیغمبر میفرمود: «فاطمه پاره تن من است، هرکس او را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته و هرکس او را اذیت کند مرا اذیت کرده، فاطمه عزیزترین مردم نزد من است».

پیامبر بارها دست دختر خود را میبوسید و در برابرش برمیخاست و دخترش را در جای خود مینشاند و با این کارها برای شخصیت دخترش به طور خاص و زنان به طور عام ارزش و احترام قائل میشدند.

قیس وقتی دید که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برخی دختران خود را روی زانوی خود نشانده و نوازش میدهد با تعجب میگوید: «من هیچگاه چنین کاری نکردم و در گذشته دختران زیادی نصیبم شده که همه را زنده به گور کردهام». آنگاه داستان زنده به گور کردن یکی از دختران خود را شرح میدهد. ماجرا آنچنان رقت آور بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از شنیدن آن متأثر شد و اشک از دیدگانش جاری گشت. سپس فرمود: «کسی که به دیگران ترحم نکند، به او ترحم نمیشود».²

۵ - احترام پیامبر به همسرانش

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با همسران خود به عطوفت و عدل رفتار می کرد و ترجیح بین آنها قائل نمیشد و در مسافرتها به هر کدام از آنها قرعه اصابت می کرد، او را همراه خود می برد. در منابع اهل سنت نیز از عایشه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که رسول خدا هیبت نبوت را بین خود و همسرانش سد و مانع قرار نمیداد، بلکه با نرمی و مهربانی بسیار رفتار می کرد و تندخویی و بدزبانی همسران خود را تحمل می کرد، چنانچه بعضی از آنها گستاخی را به حدی رساندند که اسرار داخلی او را فاش می ساختند و با توطئه چینی و تبانی آزارش میدادند.³

۶ - مشورت با زنان

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با سخن، تأئید و عمل بر مشورت با زنان تأکید فرمود: رسول خدا در زمینه ازدواج و برخی مسائل خانوادگی دیگر، فرمان به مشورت با زنان داده است: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است: «با زنان در مسئله

¹ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۳.

² فقیه، صدیقه؛ خادم چهارمی، حامده. «حقوق ممتازة جامعه زنان نسبت به مردان در فقه اسلام و حقوق ایران»، ۷۳-۹۶.

³ نهج البلاغه، ص ۲۵۴.

از دواجشان مشورت کنید. گفته شد: دوشیزگان حیا می‌کنند. فرمود: سکوت آنان رضایت آنهاست.».

۷ - منع از خشونت علیه زنان

رسول خدا فرمود: «هر مردی که بر زنش صدمه‌ای وارد کند، خداوند به نگهبان آتش دستور می‌دهد که بر گونه او هفتاد ضربه در آتش دوزخ وارد سازد. هر مرد مسلمانی که به گیسوی زن مسلمانی چنگ زند، دست او با میخ‌های آتشین کوبیده خواهد شد.»

همچنین ایشان فرمود: «هر مردی که زنش را بیش از سه بار کتک بزند، خداوند او را در قیامت در حضور تمام انسانها رسوا سازد.»

۸ - مشارکت زنان در مسائل سیاسی

اسلام در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز، برای زن شخصیت مستقل حقوقی قائل است. دخالت زن را مانند مرد در تمام فعالیت‌های اجتماعی و شئون سیاسی جایز می‌داند و هیچ فرقی بین آن دو از این جهت نمی‌گذارد. مشارکت زنان در فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بیعت، هجرت و دیگر فعالیت‌های اجتماعی هم پای مردان در عصر رسالت، دلیل احترام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به حقوق و مقام زنان در حوزه عمومی است.

۹ - توصیه‌های پیامبر درباره زنان

توصیه‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مورد زنان به طور کلی و مادران و دختران و همسران به طور خاص بسیار زیاد است، از جمله اینکه: «مستحب است که مرد برای اهل و عیالش هدیه بخرد و هنگام تقدیم نمودن از دختران آغاز کند» و «هر کس دخترش را شاد کند، گویا بنده‌ای از اولاد اسماعیل در راه خدا آزاد نموده است.» خداوند بر زنان مهربانتر از مردان است.»

«اگر نماز نافله به جا می‌آوردی، پدرت تو را خواند، نماز را قطع نکن؛ اما اگر مادر فراخواند نماز را رها کن.» «بهشت زیر پای مادران است».¹

«درباره زنان از خدا بترسید (و حقوق آنها را رعایت کنید)؛ زیرا آنها در نزد شما اسیرند.» «ای مردم بانوان شما بر شما حقوقی دارند و شما نیز بر آنان حقوقی دارید. من به شما سفارش می‌کنم که به زنان نیکی کنید؛ زیرا آنان امانت‌های الهی در دست شما هستند و با قوانین الهی بر شما حلال شده‌اند.» «جبرئیل آنقدر درباره زن به من به سفارش کرد که گمان کردم طلاق زن سزاوار نیست.» «هر زنی که به منظور اصلاح امور در خانه و خانواده، چیزی را از جایی بردارد و در جای دیگر بگذارد، خدا نظر

¹ نهج البلاغه، ص ۱۶۰.

مرحمت به او خواهد کرد و هر کس که مورد نظر خدا واقع شود، به عذاب الهی گرفتار نخواهد شد.¹

نتیجه گیری

حدیث‌ها در اسلام بعد از قرآن مهم‌ترین منابع دینی محسوب می‌شوند. در جوامع حدیثی شیعه و سنی تعداد زیادی اخبار فقهی و غیر فقهی درباره زن آمده است. زنان در سیره عملی و نظری محمد، مورد احترام توصیف شده‌اند و محمد نیز در دفاع از حقوق آنها کوشیده است. بر اساس روایات اسلامی، حقوقی از زنان که مورد توجه قرار گرفته است عبارتند از هم‌تا دانستن زن و مرد، حضور در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همچون جهاد و هجرت، توجه به ارزش دختران و تشویق به پرورش و حمایت از آنها، بیعت زنان و الگو و شخصیت‌دهی زنان نمونه. از زنان در احادیث اسلامی در موضوع حجاب یاد شده است.

در برخی از این احادیث، به موضوع پوشش زنان سالخورده، آغاز وجوب حجاب از سن بلوغ، چگونگی و کیفیت حجاب در برابر مردان یا کودکان نابالغ و همین‌طور در خصوص تفسیر آیات مربوط به حجاب زنان در قرآن پرداخته شده است. امر ازدواج نیز از مسائل مورد توجه در روایات است.

در روایاتی از محمد در منابع اسلامی، به اختیار زنان در انتخاب شوهر اشاره شده است. بر این اساس از محمد گزارش شده است که زنی به نام خنسا را به جهت آنکه پدرش او را به اجبار به همسری مردی درآورده بود، از قید ازدواج رها کرد تا با کسی که مورد علاقه دختر بود، ازدواج کند. محمد در رفتار با زنان ملائمت و مهربانانه عمل می‌کرد و به پیروانش نیز این امر را توصیه می‌کرد. او کمال ایمان را در گروهی رفتار با زنان توصیف می‌کرد و در خطبه‌هایی که می‌خواند به زنان اشاره می‌کرد و به مهربانی و احترام به آنها توصیه می‌کرد. همچنین محمد به رفتار مهربانانه با خواهران نیز تأکید داشت و در کلامی از او گزارش شده است که هرکس هر کس با خواهرانش خوب و صبورانه رفتار کند، بهشتی خواهد شد.

بر اساس روایت‌هایی در منابع روایی اسلامی، محمد هرگاه خبر از تولد نوزاد دختری می‌شنید، به اصحابش تذکر می‌داد که دختران، همچون گل‌های خوشبویی هستند که روزیشان از جانب خدا تأمین می‌شود. در روایتی دیگر از محمد منقول است که تکریم زنان را کار بزرگ‌منشان دانسته است و اهانت به آنها را کار پست و فرومایگان معرفی کرده است. در روایتی از علی بن ابی‌طالب نیز زن به ریحانه توصیف شده است که توقع امور قهرمانانه از او صحیح نیست. در روایاتی دیگر از محمد، بهترین مردان،

¹ علویان، مرتضی؛ حسینی، زینب‌سادات؛ اکبری، زهرا. «حق رأی زنان در نظام سیاسی اسلام (بررسی پیشینه و مبانی)». (۷۸): ۶۹-۸۸.

بهترین آنها در رفتار با زنانشان معرفی شده است و در روایتی دیگر، صریحاً به همتایی مردان و زنان تصریح شده است. در روایتی از محمد، دختران به عنوان مونس، اهل مدارا و نیکی، با خیر و برکت و اهل پاکیزگی و طراوت توصیف شده‌اند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن هشام حمیری، عبدالملک، سیره النبویه، بیروت، «دار احیاء التراث العربی»، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۵۱.

ایمانی، علی؛ احمدوند، ولی محمد. «تبیین جایگاه زن در اندیشه جریان‌های سلفی معاصر». اندیشه نوین دینی. قم، ۱۴۰۰، (۶): ۱۷۱-۱۹.

دهقانپور، علیرضا، «مدل مهرورزی متمایز زن و مرد در کلام پیشوایان»، هفتمین همایش بین المللی مطالعات دینی، علوم انسانی و اخلاق زیستی در جهان اسلام، تهران، ۱۴۰۲.

علویان، مرتضی؛ حسینی، زینب‌سادات؛ اکبری، زهرا. «حق رأی زنان در نظام سیاسی اسلام (بررسی پیشینه و مبانی)». مطالعات راهبردی زنان. تهران، ۱۳۹۶، (۷۸): ۶۹-۸۸.

عیوضی، محمدرحیم؛ کریمی، غلامرضا. «مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی». دانش سیاسی. تهران، ۱۳۹۰، (۱۴): ۱۳۳-۱۶۶.

فقیه، صدیقه؛ خادم جهرمی، حامده. «حقوق ممتازة جامعه زنان نسبت به مردان، در فقه اسلام و حقوق ایران». زن و جامعه. مروجشت، ۱۳۹۸، (۱): ۷۳-۹۶.